

بررسی نقش خلاقیت در ارتقا کیفی فضاهای غیررسمی در دانشکده‌های هنر و معماری؛ نمونه موردی: دانشگاه آزاد اردبیل، دانشگاه محقق اردبیل

فاطمه مویزی^۱

گروه معماری، پردیس علوم و تحقیقات اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران

گروه معماری، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

Fatememavizy@gmail.com

چکیده

فضاهای غیر رسمی دانشگاه، عرصه تعاملات و روابط قوی احساسی و ادراکی دانشجویان تلقی می شود دانشگاه های کنونی ایران، تمام توجهات برنامه ریزان و طراحان معطوف به فضاهای درونی است و هیچگونه برنامه آموزشی مستقلی برای فضاهای باز و غیر رسمی در دانشگاه ها و فضاهای و فضاهای آموزشی، برنامه ریزی برای طراحی و کیفیت بخشی به فضاهای باز صورت نگرفته است؛ لذا این بستر فاقد انسجام و هویت لازم بوده و به ارضای کامل نیازهای آموزشی، بازی و استراحت، یادگیری و خلاقیت دانشجویان نمی انجامد؛ بنابراین هدف از پژوهش حاضر ارتقاء کیفی فضاهای غیررسمی دانشگاه ها و بسترسازی آن جهت شکوفاسازی خلاقیت و نشاط سازی و سرزندگی آن برای دانشجویان می باشد. چرا که قرار دادن دانشجویان به خصوص در رشته هنر و معماری در محیطی سالم برای تعلیم و تربیت، بازی و ورزش و معاشرت و رشد حق اوست. اگر دانشجویان مجبور باشند در فضایی آموزش ببینند که حس جستجوگری شان را نابود کند و مانع رشد و خلاقیت آنها گردد، تلاش برای ارتقا کیفیت یادگیری، بی ارزش خواهد بود. رشد و ظهور خلاقیت بستگی به عواملی جز هوش و استعداد دارد. با توجه به اینکه بهره مندی و تجربه هر یک از این ویژگی ها در محیط به مشخصات فردی و سابقه ذهنی افراد بستگی دارد تلاش شد تا الگویی برای طراحی محیطی دارای تنوع و تازگی و منطبق با اصول معماری ارائه گردد. هدف از پژوهش حاضر ارائه اصول و معیارهایی برای پرورش خلاقیت‌های محیطی دانشجویان به کمک طراحی معماری و منظر دانشگاه ها است.

واژگان کلیدی: فضاهای غیررسمی، فضاهای آموزشی، خلاقیت، هنر و معماری، فضا

۱- مقدمه

فرآیند آموزش معماری علاوه بر استعدادهای بالقوه دانش جویان، نقش محیط فیزیکی آموزش را باید مورد توجه قرار داد. از این رو هدف از این تحقیق ارائه الگویی بهینه برای طراحی فضاهای آموزش معماری بر اساس نوع پاسخگویی فضا به نیاز کاربران آن می باشد. با این فرض که اگر محیط کالبدی از قابلیت مناسب جهت تسهیل تامین نیاز های زیست شناختی و روان شناختی کاربران برخوردار باشد این امر می تواند در یادگیری و رشد شخصیتی آنان موثر واقع گردد. از آنجاییکه بحث و بررسی در خصوص نیاز ها، انگیزه ها و درک دانش جویان از محرک های محیطی و رفتار های آنان جنبه های روان شناختی دارد، لذا این تحقیق به طور عمده مبتنی بر دستاوردهای گرایش های میان رشته ای به ویژه علوم رفتاری است. بر این اساس ضمن مراجعه به منابع مکتوب ابتدا نظریه های روان شناسی در زمینه ماهیت انسان جهت آگاهی از ویژگی ها و نیازهای انسان مطالعه شد، سپس معنای محیط در ابعاد مختلف و ویژگی های آن همچون احساس آرامش، احترام، تعلق و... شناخته شد. با توجه به اینکه بهره مندی و تجربه هر یک از این ویژگی ها در محیط به مشخصات فردی و سابقه ذهنی افراد بستگی دارد تلاش شد تا الگویی برای طراحی محیطی دارای تنوع و تازگی و منطبق با اصول معماری ارائه گردد. چنین محیطی علاوه بر فراهم آوردن شرایط آسایش، به دلیل احراز ویژگی های کیفی و ادراک آنها از سوی دانشجویان می تواند در بستر سازی بهتر برای خلاقیت و افزایش کیفیت آموزشی و ارتقاء ابعاد شخصیتی آنان موثر واقع گردد. در پژوهش های قبلی محققان به بررسی